

درباره لغتی از تفسیر ابوالفتوح رازی

اکرم حاجی سیدآقایی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

در تفسیر ابوالفتوح رازی (۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۵۵) «رئاء الناس» به «برده مردمان» برگردانده شده است:

وَالَّذِينَ يُتَفَقَّوْنَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (سوره نساء، آیه ۳۸).

و آنان که نفقه کنند مالهایشان برده مردمان و ایمان نیارند به خدای و نه به روز بازپسین، و هرکه باشد دیو او را همتا بد همتای باشد او را.

مصححان این متن در حاشیه آورده‌اند: «کذا: در اساس و وز (بدون نقطه)؛ شاید کلمه تصحیفی از «بدیده» باشد». در نسخه‌های «آج»، «لب» و «فق» به جای این کلمه آمده است: «برای نمایش».^۱

۱. در دو نسخه از تفسیر ابوالفتوح (نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۱۶۳۷۸ و نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۱۰۷۲۷) در ترجمه «ریا» کلمه‌ای به صورت «روه» به کار رفته است:
- و آنان که نفقه کنند مالهایشان بروه [در متن: بدون نقطه] مردمان و ایمان نیارند بخدای و نه بروز بازپسین و هرکه باشد دیو او را همتا بد همتای باشد او را (نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۱۶۳۷۸، برگ ۳۲۰ رو).
- و آنان کی نفقه کنند مالهایشان بروه مردمان و ایمان نیارند بخدای و نه بروز بازپسین و هرک باشد دیو او را همتا بذهمتای باشد او را (نسخه کتابخانه مجلس، شماره ۱۰۷۲۷، برگ ۱۲۶ پشت).
علی‌اشرف صادقی (گفت‌وگوی شفاهی) عقیده دارد که «روه» در اینجا مبدل «روذ»، صورت قدیم تر «روی» است. تلفظ «روه» امروز به جای «روی» (فلز معروف)، که از «روذ» قدیم تر گرفته شده در فارسی گفتاری متداول است: کاسه روهی (معمولاً آن را به صورت «روچی» می‌نویسند).

با توضیحی که در پی می‌آید درمی‌یابیم «برده» تصحیف «بدیده» نیست، بلکه صورتی است از «بروده». «بروده» مرکب است از «به» (حرف اضافه) + «رود» (= روی) + «ه».

در فرهنگنامه قرآنی (۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۷۰) در برابر «رثا» معادل‌های گوناگون ثبت شده‌است، از جمله این معادل‌ها موارد زیر است:

برای نمایش (قرآن شماره ۹۰)، برو (قرآن شماره ۱۰۰)، بروی (قرآن شماره ۱۲۱). درباره کلمه «روی» باید گفت: اصل پهلوی این کلمه rōd و اوستایی آن raōda- و فارسی مانوی آن rwy است (Nyberg 1974, vol. 2, p. 170). بنابراین «رود» صورت قدیم‌تر «روی» به معنی چهره است که در تفهیر ابوالفتح رازی (۱۳۸۱، ج ۵، ص ۳۰ حاشیه) نیز دیده می‌شود:

ما أضمر احد شيئا الا ظهر في صفحات وجهه أو فلتات لسانه.
 هیچ‌کس [چیزی] پنهان باز نکند الا بر کناره رود و جانب زبان او پدید آید (نسخه‌بدل‌های «مب»، «مر»).

کلمه «رود» با تخفیف مصوت بلند ō به «رد» بدل شده‌است. نمونه این تخفیف در واژه‌های زیر نیز دیده می‌شود:

افرختن به جای افروختن: آتشی عظیم بر او افروختند بگداخت (ابوالفتح رازی ۱۳۸۱، ج ۱۲، ص ۳۴۸).

درغ به جای دروغ: برای آن نماز شام آمدند تا وقت تاریک باشد، ایشان را از آن درغ گفتن شرم نیاید (ابوالفتح رازی ۱۳۸۱، ج ۱۱، ص ۲۷ حاشیه، نسخه‌بدل «م»).

دزخ به جای دوزخ: عجب از ضعیفی که او از عقاب سخت بترسد چه اگر آدمی از سنگ بودی یا از آهن به آتش دنیا هم بس نبودی. فکیف که بر این ترکیب ضعیف است و آتش آتش دزخش سروکار (ابوالفتح رازی ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۲۳۲ حاشیه، نسخه‌بدل «مر»).

رشنایی (= روشنایی): سپاس خدای را آن‌که بیافرید آسمانها و زمین و بیافرید تاریکیها و رشنایی پس آنان که کافر شدند به خدایشان شرک می‌آرند (ابوالفتح رازی ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۲۲۵).

ری (= روی): نَافَقُوا: دوری نمودند (فرهنگنامه قرآنی ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۴۷۰، قرآن ۱۲۲؛ نیز ← تفهیر سوره‌آبادی، ج ۵، ص ۳۴۶۷).

فرتنی (= فروتنی): وَأَخْفَضُ: فرتنی کن (فرهنگنامه قرآنی ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۰، قرآن ۳۰).

و حال به بخش پایانی «برده»، یعنی «ه»، می‌پردازیم. در توضیح این جزء باید گفت که گاه در بعضی متن‌ها، کسره اضافه با «ه» نشان داده می‌شود. یکی از آن موارد همین کلمه مورد بحث است. با تفحص در برخی متن‌های کهن شاهدهای دیگری یافت می‌شود که این کاربرد را تأیید می‌کند:

بانگه (= بانگ): صاعقه؛ بانگه جهنده (فرهنگنامه قرآنی ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۹۱۴، قرآن ۱۰۸).	خشته پخته در ترجمه «الاجور» (تفلیسی ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۶۶۲ حاشیه).
برگه (= برگ): الْعَصْف: برگه جویلد[ه] (فرهنگنامه قرآنی ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۰۲۵، قرآن ۱۱۰).	دسته (= دست): به مردی رسیدم تمام خلقت، از دست راست وی دری، و از آن در بوی خوش می‌آمد و از دست چپ وی دری و از آن بوی ناخوش می‌آمد. چون به دسته راست نگرستی خندیدی و چون به دست چپ نگرستی بگریستی (اسفراینی ۱۳۷۴-۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۲۳۹).
بنده (= بند): سَلًا: بنده میان دو کوه (فرهنگنامه قرآنی ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۸۴۹، قرآن ۶۱).	کشته کاریده ، در ترجمه «خَرْتُ» (ادیب نظری ۱۳۸۴، ص ۲۴۷ حاشیه، نسخه «س»).
بیانه (= بیان): خدای تو بر همه چیز نگاهبان است و عالم به همه چیزها و بیانه آیت (ابوالفتح رازی ۱۳۸۱، ج ۱۶، ص ۶۶ حاشیه، نسخه بدل «لب»).	مردمانه (= مردمان): الْعَالَمِينَ: مردمانه زمانه (فرهنگنامه قرآنی ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۹۹۷، قرآن ۲۵).
پوسته گاو (= پوست گاو): قُنْطَار: پوسته گاو پرزر (فرهنگنامه قرآنی ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۱۶۸، قرآن ۹۲).	

بنابراین «برده مردمان» یعنی در برابر روی و چشم مردمان.

منابع:

- ابوالفتح رازی، حسین بن علی نیشابوری (۱۳۸۱)، رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، مشهور به تفسیر ابوالفتح رازی، به تصحیح محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصح، آستان قدس رضوی، مشهد.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی نیشابوری، رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، مشهور به تفسیر ابوالفتح رازی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۱۶۳۷۸.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی نیشابوری، رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، مشهور به تفسیر ابوالفتح رازی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، نسخه شماره ۱۰۷۲۷.

ادیب نطنزی، بدیع الزمان ابوعبدالله حسین بن ابراهیم (۱۳۸۴)، دستوراللغة (کتاب الخلاص)، به کوشش سیدعلی اردلان جوان، به نشر، مشهد.

اسفراینی، ابوالمظفر شاهفورین طاهرین محمد (۱۳۷۴-۱۳۷۵)، تاج التّراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم، به کوشش نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، علمی و فرهنگی، با همکاری میراث مکتوب، تهران.

تفلیسی، ابوالفضل حبیبش (۱۳۵۰)، قانون ادب، به کوشش غلامرضا طاهر، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
فرهنگنامه قرآنی (۱۳۷۷)، تدوین گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (با نظارت محمدجعفر یاحقی)، پنج جلد، آستان قدس رضوی، مشهد.

Nyberg, H.S. (1974), *A Manual of Pahlavi*, vol. 2, O. Harrassowitz, Wiesbaden.